

جناب آقا محمد ابراهیم الملقب بمنصور

هو الله

و از جمله مجاورین و مهاجرین جناب آقا محمد ابراهیم نحاس ملقب بمنصور بود * این مرد خدا از اهل کاشان بود و در ریعان شباب و عنفوان جوانی تجلی نورانی دید سرمست جام طهور گشت و مخمور از کأس مزاجها کافور بسیار خوش حالت بود و پر ذوق و بشاشت * چون نور هدایت در زجاجه دل و جان بر افروخت از کاشان بزوراء شتافت و بشرف لقاء فائز گشت طبعی روان داشت و قریحه ئی سیال و نظمی مانند عقد لئال *

در دار السلام با آشنا و بیگانه صلح و سلام داشت و همّت را بمهریانی می گماشت * اخوان خویش را از ایران ببغداد آورد و دگّء صنعت گشود و به رفاهیت دیگران پرداخت او نیز از جمله اسراء بود و از زوراء بحدباء سرگون گشت و از آنجا بحیفا شتافت * در نهایت تبیل و تضرّع شب و روز متذکّر بود و مناجات میکرد مدّتی مدیده در حیفا بخدمت احباء موفق بود و مسافرین را بنهایت خضوع و خشوع مواظبت میکرد * در حیفا تأهل نمود و اسلاء اجلاء یافت هر روز حیاتی

تازه و بشاشتی بی اندازه میجست و آنچه می اندوخت صرف آشنا و بیگانه مینمود *

بعد از شهادت سلطان الشهداء قصیده ئی در ماتم آن شهید دشت بلا گفت و در
ساحت اقدس خواند بسیار مؤثر بود حاضرین جمیعاً گریستند و نحیب بکا بلند شد

*

باری، این نفس زکیّه بر حالت واحده ایّام عمر بسر برد و بینهایت با شور و
وله بود مانند گل و شکوفهء خندان و شکفته پیک اجل را لبّیک گفت و از خطّه
حیفا بعالم بالا عروج نمود و از برزخ ادنی برفیق اعلی شتافت و از عالم خاک
صعود نمود و در جهان پاک خیمه و خرگاه زد * طوبی له و حسن مآب و تغمّده
الله برحمته فی ظلّ قباب الغفران و ادخله فی روضة الرّضوان *